

تبیین جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی شهروندان شهر تهران

پروانه بیاتی^۱، اسماعیل جهانبخش^۲، شاپور بهیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷

چکیده

مدارای اجتماعی مفهوم بنیادینی در حوزه تعاملات اجتماعی بشمار می‌آید و چنانکه برخی متفکرین تأکید کرده‌اند، تعاملات سازنده و مثبت، شالوده فرایندهای اجتماعی است که در صورت نبود آن، جامعه با مشکلات اساسی روبرو خواهد شد و افراد، تنها راه مقابله با تفاوت‌ها را خشونت خواهند دانست. به همین دلیل مدارای اجتماعی در شهر تهران که اکثر قومیت‌های کشور با مذاهب و سلیقه‌های متفاوت در آن سکونت دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش تحقیق پیمایش بوده و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق را شهروندان ۱۸ تا ۷۰ ساله شهر تهران در بر می‌گیرد که تعداد ۳۸۴ نفر از این جمعیت به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای چند مرحله‌ای و متناسب بر اساس طبقه بندی مناطق شهرداری تهران و با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه کوکران انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه استاندارد مدارای اجتماعی و پرسشنامه‌های محقق ساخته استفاده شده است که با نرم افزار spss21 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی و سطح معناداری پیرسون نشان داد که هر چند بین متغیرهای دینداری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و احساس امنیت اجتماعی به عنوان فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی رابطه معنا دار و مستقیمی وجود دارد اما بین فردگرایی و جزم اندیشی شهروندان به عنوان چالش‌های مرتبط با مدارای اجتماعی، رابطه معناداری ملاحظه نگردید که این می‌تواند مدارای اجتماعی شهروندان را در معرض تهدید قرار دهد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد که متغیرهای دینداری با ضریب بتا (۰/۱۶۹)، اعتماد اجتماعی (۰/۱۰۵)، ارزش‌های ابراز وجود (۰/۱۵۲) و احساس امنیت (۰/۱۲۳)، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های مدارای اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران هستند.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناختی، چالش‌ها، فرصت‌ها، مدارا، مدارای اجتماعی.

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان؛ پست الکترونیکی: Parvaneh_bayaty84@yahoo.com
۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان؛ نویسنده مسئول؛ پست الکترونیکی: esjahan@yahoo.com
۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه؛ پست الکترونیکی: Sbehyan@yahoo.com

مقدمه

زندگی انسانها در گذشته‌های دور به گونه‌ای بود که در واحدهای انسانی مجزا و جدا از هم می‌زیستند. بر این واحدهای انسانی، نوعی نظام ارزشی حاکم بود و رفتارهای اعضای گروه می‌بایست منطبق با این نظام ارزشی باشد. از آن جایی که ارتباط بین گروهها بسیار کم بود، افراد تفاوت‌های عقیدتی و فرهنگی را احساس نمی‌کردند و تصویری از نظامهای ارزشی دیگر گروهها نداشتند. اما در جامعه جدید با گسترش وسایل ارتباطی، امکان ارتباطات محلی، ملی و بین‌المللی فراهم گردیده و مردمان سراسر دنیا امکان تعامل و ارتباط وسیع با یکدیگر را پیدا کرده‌اند. در چنین شرایطی انسانها بیشتر با تفاوت‌ها روبرو شده و به تمایز فرهنگ خود با دیگران پی می‌برند. آن چه باعث می‌شود انسانها با این تفاوتها کنار آمده و به سایر فرهنگها احترام بگذارند گسترش فرهنگ مدارا می‌باشد. مدارا را می‌توان پذیرش و کنار آمدن افراد و گروههایی که از نظر نظام ارزشی و عقیدتی با یکدیگر متفاوت می‌باشند، تعریف کرد (کیباشی^۱، ۲۰۱۰: ۳۲۱). اهمیت مدارا در جامعه به گونه‌ای است که در صورت نبود آن، جامعه با مشکلات اساسی روبرو خواهد بود و افراد تنها راه مقابله با تفاوتها را خشونت خواهند دانست (ویتنبرگ^۲، ۲۰۱۲: ۶۸). دایره مفهومی مدارای اجتماعی نیز مانند بسیاری از مفاهیم جامعه‌شناختی در زبان فارسی، به دقت مشخص نشده است و محققان و اندیشمندان ایرانی در مقابل واژه (Tolerance)، از واژه‌های هم‌معنی مانند تحمل اجتماعی، بردباری اجتماعی، تساهل اجتماعی و شکیبایی استفاده می‌کنند که لزوماً معنی یکسانی ندارند اما اشتراکات معنایی این واژگان در این کاربرد خاص سبب شده است تا به این تفاوتها چندان توجه نشود. مدارای اجتماعی به عنوان عمل آگاهانه فرد یا سازمانی، در خودداری از مخالفت و سرزنش یا خشونت علیه اعتقادات دیگری، به رغم مخالفت شخصی با آن اعتقادات در نظر گرفته می‌شود (تامپسون^۳، ۲۰۰۲: ۹۸). مدارا اساساً شکلی از خود کنترلی و خودداری است. مدارا پرهیز از بدی است (وگت^۴، ۲۰۰۲: ۶۵). مدارا به معنی به رسمیت شناختن دیگری است (افراسیابی، ۱۳۹۰: ۸۴) و یا در تعریفی دیگر مدارای اجتماعی فضیلتی است که در بین افراد و گروه‌هایی که دارای دیدگاهها و روش‌های زندگی متفاوت بوده و در یک اجتماع واحد همزیستی مسالمت آمیزی دارند (گالتوتی^۵، ۲۰۰۲: ۹۵). به همین جهت در دنیای معاصر، آنچه بیش از همه جلوه می‌نماید، تفاوت رو به تزاید افراد انسانی می‌باشد که گوناگونی قابل توجهی از گروه‌ها، نهادها، هویت‌ها، طبقات، سبک‌های زندگی، نگرش‌ها و... را با خود به همراه داشته است. جوامع انسانی که با سیر تصاعدی ایجاد تفاوتها همراه بوده‌اند و در هر تفاوت جدید، مبنای شکل‌گیری تفاوت‌های تازه‌ای شده است تا جایی که اکنون هر فرد در محل زندگی خود با افرادی مواجه است که تفاوت‌های قابل توجهی از نظر هویت، سبک زندگی، طبقه و نقش‌های اجتماعی و... با وی دارند. هر چند تفاوت همواره اصل اساسی

1 Kobayashi

2 Witenberg

3 Tampon

4 Voget

5 Galeotti

حیات انسانی بوده اما هر چه از گذشته به سمت زندگی معاصر حرکت کنیم، این اصل خود را بیشتر نمایان ساخته و پیوندهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است تا جایی که دنیای امروز شاهد انباشت تفاوت هاست، بدین معنا که انسانها هر یک از جهات متعددی با دیگری متفاوت اند و انسان‌ها در دنیایی از تفاوت‌ها زندگی می‌کنند که به دلیل همین تحولات جامعه مدرن نیز شاهد تغییرات عمیقی بوده است.

طرح مسئله

اندیشه مدارا در ابتدا مربوط به حق انتخاب مذهب بوده است، اما به تدریج این قلمرو گسترش یافت و تحمل هر نوع عقیده اخلاقی، سیاسی و مذهبی را در بر گرفت. منشأ دیگر مدارا را باید نزد اروپاییان در مشرب اصالت تکثر یافت؛ اصل این عقیده بسیار کهن است و به عقاید ارسطو بازمی‌گردد. به اعتقاد او سعادت اجتماعی نه از راه وحدت مطلق، بلکه از راه وحدت در کثرت یا کثرت در وحدت بهتر تأمین می‌گردد (عنایت، ۱۳۷۹: ۱۵۸). بر این اساس مفهوم مدارا، دارای محتوایی کثرت‌گراست، زیرا زندگی و حیات بشری، جمعی و محل تکثر ارزشها و غایتها و تقابل و رویارویی میان آنهاست. بنابراین اگر مدارا صورت می‌گیرد به این دلیل است که من و دیگری به عقاید و نظرات یکدیگر توجه داریم و اگر امر توجه نباشد، احترام هم وجود نخواهد داشت و آن جا که احترام متقابل نباشد، مدارا هم نمی‌تواند به عنوان یک اصل شکل بگیرد، بنابراین مدارا برای هر گونه کنش و عمل اجتماعی الزامی است و اگر به صورت درست و دقیق تمرین نشود، نابود می‌شود (جهانگلو، ۱۳۸۱: ۵۲).

به نظر آلبرو^۱ (۲۰۰۱) تنوع اجتماعی به تفاوت‌ها و تمایزهای اجتماعی میان مردم اشاره دارد. این تفاوت‌ها و تمایزها وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، سبب تنوع، انعطاف‌پذیری و پایداری جامعه می‌شود. تنوعی که مفهومی فراتر از پایگاه و منزلت مرسوم جامعه بوده و نوعی وابستگی متقابل را می‌طلبد که در قالب مشارکت خود را نشان می‌دهد. فلوریدا (۲۰۰۵) مدارا را شاخصی مهمی در شکل‌گیری شهرهای خلاق مطرح می‌کند. شهرهایی که با سرمایه اجتماعی برون‌گروهی تعریف می‌شوند (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

در شهرهای خلاق افراد قادرند راه‌حل‌های جدیدی برای مشکلات روزمره‌شان ارائه دهند و این جوامع بر محور جذب سرمایه‌های انسانی خلاق حرکت می‌کند (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۱). سرمایه‌هایی که در عین تفاوت و ناهمگونی با هم، با استفاده از ظرفیت‌های خود، با تعاون و همکاری و مشارکت می‌توانند نوعی وحدت و همگونی را در سطحی وسیع‌تر در جامعه به اجرا بگذارند. تحمل و مدارا باعث می‌شود که فرد از قوم محوری خارج شود. در حالت قوم محوری، انسان تنها فرهنگ خود را دارای ارزش‌های درست می‌داند و برای سایر افراد ارزش قائل نیست. چنین فردی دیگران را حقیر می‌پندارد (هینکلی^۲، ۲۰۱۰: ۳).

آمارهای موجود نیز نشان‌دهنده افزایش خشونت در سطح جامعه و بین افراد می‌باشد به گونه‌ای که در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵، قتل عمد ۵/۳ درصد، ضرب و جرح به میزان ۲/۲ درصد افزایش داشته

است. پرونده‌های مختومه مربوط به خشونت نیز با رشدی ۴۰ درصدی از ۵۴۴ مورد در سال ۱۳۷۶، به ۷۵۵ مورد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این افزایش خشونت خود نشان دهنده تبعات اولیه و آشکار فقدان و یا کاهش مدارا در بین شهروندان می‌باشد.

بنابراین مدارا امکان همزیستی مسالمت‌آمیز افرادی را که دیدگاه‌های متفاوتی دارند، در یک جامعه واحد فراهم آورده است زیرا عدم نهادینه شدن روحیه مدارا در کنش‌گران طیف گسترده‌ای از تعارضات را به وجود آورده است که دامنه آن از سطح برخوردهای محدود میان کنش‌گران فردی آغاز و تا سرکوب و حذف عقاید متفاوت در سطح ساختارهای وسیع‌تر مانند جوامع و دولت‌ها ادامه می‌یابد. ما هر روزه شاهد بروز خشونت به اشکال مختلف به صورت لفظی و کلامی همچون دشنام، داد و فریاد و غیره و یا حتی خشونت جسمانی ملایم و شدید از هل داد، ضرب و جرح تا قتل، در اطراف خود هستیم (تریاندیس^۱، ۱۹۹۶: ۲۵).

سوالات تحقیق

با توجه به آنچه شرح داده شد تحقیق در جهت پاسخگویی به این سوالات پیش برده شده است: شهروندان تا چه اندازه نسبت به دیگران متفاوت از خود مدارا نشان می‌دهند؟ و کدام نوع از عوامل اجتماعی تأثیر بیشتری بر میزان مدارای شهروندان دارد؟ و در ادامه تحقیق به چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران می‌پردازیم.

هدف تحقیق

با توجه به اینکه مدارای اجتماعی مفهوم بنیادینی در حوزه تعاملات اجتماعی بشمار می‌آید و چنانکه برخی متفکرین تأکید کرده اند، تعاملات سازنده و مثبت، شالوده فرایندهای اجتماعی است و اهمیت مدارا در جامعه به گونه ای است که در صورت نبود آن، جامعه با مشکلات اساسی روبرو خواهد شد و افراد، تنها راه مقابله با تفاوت‌ها را خشونت خواهند دانست. به همین دلیل مدارای اجتماعی در شهر تهران که اکثر قومیت‌های کشور با مذاهب و سلیقه‌های متفاوت در آن سکونت دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین اهداف این تحقیق پاسخ نظری به پرسش‌های تحقیق است که به طور مبسوط در بخش فرضیات تحقیق مطرح می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

هر چند پیچیدگی پدیده‌های اجتماعی به گونه ای است که هیچ نظریه واحدی نمی‌تواند به طور جامع یک پدیده اجتماعی را تبیین نماید و مدارای اجتماعی نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی از این قاعده مستثنی نیست. لذا اندیشمندان متعددی از دیدگاهها و زوایای مختلف به این پدیده نگریسته و به تبیین آن پرداخته اند و هر یک به نوبه خود، سعی کرده اند تا به گونه ای عوامل تأثیر گذار بر مدارا را مورد بحث قرار دهند. بدون تردید نظریات هیچ یک از جامعه شناسان نمی‌تواند به طور کامل تبیین کننده مدارای اجتماعی

باشد. در واقع هر یک از این نظریه پردازان از بعد خاصی به این پدیده نگریسته اند. با این حال آنچه در نظریات و تحقیقات حائز اهمیت است، قدرت شناخت عوامل تأثیر گذار بر متغیر وابسته مدارای اجتماعی می‌باشد و به نظر می‌رسد تلاش برای ترکیب نظریات مختلف که توانایی نسبی یکدیگر را تکمیل نمایند و قدرت تبیین را افزایش دهند، راهی را پیش روی قرار می‌دهند تا بتوان به هدف تحقیق دست یافت. در پژوهش حاضر نیز سعی شده تا از نظریات گوناگون جهت تبیین پدیده مدارای اجتماعی استفاده شود. متغیرهای مستقل که در این تحقیق به آنها پرداخته شده است، عبارتند از: احساس انومی، دینداری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود، فرد گرایی، جزم اندیشی و احساس امنیت اجتماعی.

وگت مدارا را یک گرایش رفتاری تعریف می‌کند؛ یعنی نگرش را از خلال رفتار فهم می‌کند و مدارا در این معنا در مقابل نگرش قرار می‌گیرد (فلیس^۱، ۲۰۰۴: ۲۴). سازه مدارا برای وگت از سنت علوم سیاسی می‌آید و او مدارا را پیش نیازی برای جامعه مدنی برمی‌شمارد. وگت با مروری بر کارهای کریک، کینگ و کربت و ادغام آنها تعریف جدیدی را از مدارا ارائه می‌دهد. از دید وی مدارا به سه دسته تقسیم می‌شود که با یکدیگر همپوشانی دارند. مدارای سیاسی را مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی با احترام به آزادی‌های مدنی دیگران می‌داند. مدارای اخلاقی را نیز مدارا نسبت به اعمال دیگران در فضای خصوصی می‌داند. همچنین مدارای اجتماعی را مدارا نسبت به ویژگی‌های مختلف انسانی که از تولد همراه او هستند، تعریف می‌کند (فلیس، ۲۰۰۴: ۲۸۷).

نظریه پردازان متعددی به بررسی رابطه بین دینداری و مدارا پرداخته اند. ما در اینجا از دیدگاه‌های دورکیم و وبر در این زمینه بهره برده ایم. دورکیم نگاه کارکردگرایانه به دین دارد. به نظر او، کارکرد مهم دین تقویت وجدان جمعی و انسجام اجتماعی است. انسجام اجتماعی به دو صورت مکانیک و ارگانیک می‌باشد. در انسجام اجتماعی مکانیکی که مبتنی بر مشابهت و همانندی است، همه افراد به هنجارها و ارزش‌های جمعی باور دارند و براساس آن عمل می‌کنند. این نوع انسجام ویژه جوامع سنتی است و دین نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ و تقویت آن دارد. نشانه جامعه دارای انسجام مکانیک، نظام حقوقی تنبیهی است که به دنبال تنبیه و مجازات شدید کسانی است که هنجارهای اجتماعی را نقض می‌کنند. به این ترتیب هنگامی که خواستار تنبیه مجرم می‌شویم، به خاطر انتقام شخصی خود ما نیست، بلکه بخاطر حرمت چیز مقدسی است که ما تصور کم و بیش روشنی از آن به صورت نیرویی برتر و خارج از خود داریم. تصور ما از این چیز برتر برحسب زمان و مکان فرق می‌کند؛ گاه فقط اندیشه‌ای ساده است مانند اخلاق، وظیفه و اغلب هم تصویری است به شکل یک یا چند موجود مشخص مانند نیاکان و خدایان. به همین دلیل حقوق جزایی نه تنها در آغاز شکل مذهبی دارد بلکه خصلت مذهبی بودنش را تا حدی همیشه حفظ می‌کند (دورکیم^۲، ۱۳۸۱: ۹۳).

وبر نیز معتقد است دین با مسائل و امور گوناگونی در تماس دائمی است که از آن جمله می‌توان به تماس دین با اجتماعات، اقتصاد، امور سیاسی، امور جنسی، هنر و حوزه خرد ورزی اشاره کرد. دین با

1 Phelps

2 Durkheim

موضع‌گیری در برابر این امور و واکنشی که نسبت به آنها نشان می‌دهد، الگوی خاصی از رفتار را تجویز می‌کند و انتظار دارد که پیروانش از این الگو تبعیت کنند (وبر^۱، ۱۳۸۲: ۳۷۵).

اینگلههارت افزایش مدارا را در جامعه به توسعه اجتماعی - اقتصادی مرتبط می‌داند و معتقد است که مدارا از طریق تنوع بخشی به کنش‌های متقابل انسانی، تخصص‌گرایی شغلی و پیچیدگی اجتماعی افزایش می‌یابد. نتیجه رشد تنوع کنش‌های متقابل انسانی، رهایی افراد از قید و بندهای عمومی است. تنوع، افراد را از قید و بندهای عمومی انتسابی و جمع‌های بسته اجتماعی رها نموده و به کنش متقابل با دیگری بر مبنای مبادله سوق می‌دهد. در نتیجه افراد برای ارتباط و عدم ارتباط با هر کسی که بخواهند، آزادند و نقش‌های به شدت ثابت برای مقوله‌هایی مانند جنسیت و طبقه در حال تضعیف هستند و این امر مجال بیشتری به آنها برای ابراز وجود به عنوان افراد می‌دهد. بنابراین قلمرو انتخاب انسانی از نظر اینگلههارت منجر به گرایش به سمت ارزش‌های ابراز وجود می‌گردد. در این راستا و همزمان با رشد تجربه امنیت وجودی و استقلال فردی، کاهش نیاز به حمایت گروهی و پیوندهای درون گروهی در گروه‌هایی مثل خویشاوندان پدیدار می‌شود و سرانجام اینکه از منظر اینگلههارت اخلاق مدارا و احترام به ارزش‌ها و اعتقادات دیگران، نتیجه رشد ارزش‌های ابراز وجود است (اینگلههارت^۲، ۱۳۸۹: ۲۸).

دنیس چونگ در ارتباط با احساس امنیت اجتماعی معتقد است، موضوعی که به درستی درک نشده و محور به وجود آمدن بردباری می‌باشد، فرآیند سازگاری است. این فرآیند به طور خلاصه شیوه‌ای است که ضمن آن افراد گرایش هایشان را در پاسخ به تغییر اعمال و رفتارهای اجتماعی تغییر می‌دهند. تغییر در هنجارها نه تنها محدودیت بردباری افراد را تغییر می‌دهد، بلکه چگونگی احساس افراد پیرامون آنچه را که در موردش بردباری به خرج داده‌اند، را عوض می‌کند. فرآیند انطباق مشابه، کاهش ناهمخوانی است. کاهش ناهمخوانی و عقلانیت شیوه‌هایی است که افراد را با شرایط جدید منطبق می‌کند و در حقیقت افراد ادراک غلط‌شان را نسبت به موضوع تصحیح می‌کنند. از طریق این فرآیند ترس و اضطراب کنترل می‌شود و دیدگاه خویشان دارانه که ذات بردباری است، گسترش می‌یابد. بنابراین بردباری، به سخاوت کسانی که مایل به خویشان داری، و تنبیه کسانی است که از هنجارهای اجتماعی منحرف شده‌اند، بستگی ندارد بلکه به توانایی افراد در کاهش ترس و اضطراب و تطبیق با افکار جدید و گروه‌ها بستگی دارد. چونگ در ادامه خاطر نشان می‌کند که تحقیقات انجام شده پیرامون بردباری به خوبی رابطه قوی میان ترس یا ادراک از خطر و بردباری را نشان داده‌اند.

تریاندیس معتقد است که در یک فرهنگ جمع‌گرا، اهداف فردی تابعی از اهداف جمع است. هنجارها، وظایف و اجبارها بیشتر رفتارهای اجتماعی را تنظیم می‌کند، برعکس در فرهنگ فردگرا، فرد مستقل و خود مختار از جمع تعریف می‌شود. اهداف فردی مقدم بر اهداف جمعی هستند و رفتار اجتماعی بر مبنای سود و زیان فردی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر ایده فردگرایی مبتنی بر این نظریات است که تعامل افراد با یکدیگر مبتنی بر برابری، رقابت، انصاف و مبادله براساس قرارداد است. افراد گروه، مستقل و بدون

1 Weber

2. Inglehart

رابطه با دیگران در نظر گرفته می‌شوند، هیچ فردی از امتیاز خاصی برخوردار نیست، منافع به تساوی و براساس شایستگی و عملکرد، تقسیم و توزیع می‌شوند (تریاندیس، ۱۹۹۶: ۲۵۷). بنابراین انتظار می‌رود که افراد جمع‌گرا به خاطر تبعیت از هنجارهای جمعی، در مقابل افراد و گروه‌هایی که به این هنجارها عمل نکنند و یا رفتاری متضاد با این هنجارها داشته باشند، عدم بردباری بیشتری از خود نشان می‌دهند.

از دیدگاه هینکلی یکی از عوامل تأثیرگذار بر مدارا، درگیری مستقیم در سیاست دموکراتیک است. او بر این اساس به ارائه مدل یادگیری دموکراتیک می‌پردازد. براساس این مدل، مدارا زمانی به بهترین شکل فرا گرفته می‌شود که شهروندان عملاً در معرض سیاست دموکراتیک قرار گیرند. وی بیان می‌دارد که ممکن است تمایلات فردی، تأثیر مشارکت سیاسی را بر مدارا مشروط نماید. به عبارتی دیگر برخی ویژگی‌های روان‌شناختی مانند دگماتیسم با تحریک متفکران دگماتیسم (جزم‌اندیش) به چارچوب بندی سیاست به عنوان جدالی بین کنشگران که به لحاظ اخلاقی خوب یا بد هستند، از فرآیند یادگیری دموکراتیک جلوگیری می‌کند. زیرا این متفکران دگماتیک معتقدند که گروه‌های مورد نظر شایسته حقوق دموکراتیک نیستند (هینکلی، ۲۰۱۰: ۲۱۵). سپس هینکلی بیان می‌کند که ممکن است تمایلات فردی، تأثیر مشارکت سیاسی را بر مدارا مشروط نماید. به عبارت دیگر، برخی ویژگی‌های روان‌شناختی مانند دگماتیسم با تحریک متفکران دگماتیسم (جزم‌اندیش)، به چارچوب بندی کردن سیاست به عنوان جدالی بین کنشگران که به لحاظ اخلاقی خوب یا بد هستند، از فرآیند یادگیری دموکراتیک جلوگیری می‌کند. بروکیج^۱ نیز در جهت موافق با دیدگاه هینکلی بیان می‌دارد که: دگماتیسم عمومی ترین ویژگی فردی است که بر مدارا تأثیر می‌گذارد (پروین، ۱۳۷۴: ۹۵).

پرسل^۲ معتقد است که بین شرایط اقتصادی (فشار مالی)، آنومی و مدارا ارتباط وجود دارد. به عبارت دیگر شرایط اقتصادی (فشار مالی) باعث ایجاد آنومی می‌گردد و آنومی نیز به نوبه خود بر مدارای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. از طرف دیگر شرایط اقتصادی (فشار مالی)، مستقیماً بر مدارای اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد. وی بیان می‌دارد که «با افول شرایط اقتصادی، میزان مدارای اجتماعی نیز کاهش می‌یابد». بنابراین انتظار می‌رود مردمی که یک یا چند شکل از فشار مالی را تجربه می‌کنند، سطح پایین تری از عضویت در انجمن‌ها و اعتماد و میزان بالاتری از آنومی را داشته باشند و احتمال کمتری وجود دارد که این افراد از مدارا نسبت به سایر گروه‌ها حمایت کنند (پرسل، ۲۰۰۱: ۵۹). پس بر حسب این دیدگاه می‌توان ذکر نمود که بین فشار مالی و آنومی و بین آنومی و مدارای اجتماعی و همچنین مستقیماً بین فشار مالی و مدارای اجتماعی ارتباط وجود دارد. قابل ذکر است که مفهوم آنومی در نزد پرسل مبتنی بر نظریه آنومی مرتن^۳ است. به عبارتی منظور از آنومی «عدم تطابق بین اهداف و وسایل اجتماعی مورد قبول جامعه می‌باشد». دورکیم نیز در این زمینه معتقد است که در گذار جامعه از همبستگی مکانیک به ارگانیک، گسترش تقسیم

1 Brokij

2 porsel

3 Merton

کار همواره به آسانی صورت نمی‌گیرد و تحت شرایطی تقسیم کار به صورت غیر عادی گسترش می‌یابد. وی در این زمینه به نقش بحران‌های اقتصادی و کشمکش‌های صنعتی و انواع ورشکستگی‌ها در خلال فرایند تقسیم کار اشاره می‌کند. دورکیم معتقد است که چنین شرایطی از تقسیم کار غیر عادی زمینه را برای بروز بی‌هنجاری فراهم می‌کند (پرسل، ۲۰۰۱: ۸۲).

پیشینه تحقیق

از آنجایی که مطالعات انجام گرفته در این حوزه با رویکردهای مختلف به این موضوع نگریده‌اند، لیکن در مواردی از کاستی‌ها و کمبودهایی رنج می‌برند؛ از آن جمله: در این مطالعات به بررسی برخی از ابعاد مدارا پرداخته شده است که مفهوم مدارا را به طور کامل پوشش نمی‌دهد. پژوهش حاضر با هدف پرداختن به تأثیر سایر عوامل مهم و تأثیر گذار مانند احساس امنیت اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود، اعتماد اجتماعی و دینداری، همراه با سایر مؤلفه‌های مدارای اجتماعی در میان شهروندان شهر تهران، درصدد پر کردن خلاءهای موجود می‌باشد. بنابراین با توجه به اینکه تحقیقی با موضوع بررسی چالش‌ها و فرصت‌های مدارای اجتماعی پرداخته باشد ملاحظه نگردید، لیکن سایر پژوهش‌هایی که به بخشی از موضوعات این تحقیق پرداخته یا به موضوع این تحقیق نزدیک هستند به شرح زیر اشاره می‌شود:

۱. نازنین فرزام (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مدارای اجتماعی (رفتاری) رابطه و تأثیر معناداری وجود دارد. بهشتی و رستگار (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی، میزان مدارای اجتماعی در بین اقوام ایرانی به مقدار ۲/۷۶، کمی بالاتر از سطح میانگین (در دامنه ۱ تا ۵) بود. گلابی و رضایی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی، به بررسی و سنجش مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی براساس تقسیم بندی وگت پرداختند. نتایج نشان داد که میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی دارای همبستگی مستقیم معنی دار می‌باشد.

۲. حسین زاده (۱۳۸۹) به بررسی کارکردها و فنون مدارا در زندگی اجتماعی پرداخت. یافته‌های اصلی این تحقیق خیر و برکت، امنیت، بهره‌مندی، خوشبختی، محبت، کینه زدایی، افزایش روزی و موفقیت و پایداری در زندگی به عنوان پیامدهای مثبت مدارا است. رفتارهایی همچون مرموز سازی، تبرئه، شوخی، رفتار نظیر به نظیر، تغییر مرتبه دوم، رفع تعارض، تمرکز بر نقاط قوت، ایفای نقش مقابل و خود آرام سازی نمونه‌هایی از مهارت‌های موجود برای دستیابی به مدارا به شمار می‌روند.

۳. مقتدایی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن پرداخت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون آنومی، جزم اندیشی، رابطه معکوس و معنادار با مدارای اجتماعی در شهر اهواز دارد. همچنین ارزش‌های ابراز وجود، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، فرد گرایی، تحصیلات، قومیت و محل تولد به طور مستقیم بر میزان مدارای شهروندان تأثیر می‌گذارد؛ و متغیر فشار مالی به طور غیر مستقیم و از طریق متغیر واسطه آنومی با مدارا رابطه دارد.

۴. حاجی زاده بخشایش، سعید (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی تساهل در قرآن پرداخته است. در این پژوهش که با استناد به منابع اسلامی، مبانی، اصول نظری تساهل بررسی گردیده و بیان می‌دارد قرآن کریم به مسئله تساهل و مدارا در رفتار با دیگران از جمله اقلیت‌های دینی و نژادی توجه داشته و یکی از مأموریت‌های پیامبران الهی را نیز همین می‌داند.
۵. موناوار^۱ اسماعیل (۲۰۱۲)، در تحقیقی با عنوان عقیده؛ اساس تحمل اجتماعی، به این نتیجه دست یافت که عقیده اسلامی می‌تواند موجب بهبود استانداردهای اخلاقی شود.
۶. اکهمر^۲ (۲۰۰۳) در پژوهش خود به این نتایج دست یافت که میان ویژگی‌های شخصیتی باز بودن و توافق پذیری با تعصب رابطه معنی داری وجود دارد.
۷. اریکسون^۳ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان ریشه‌های مدارا با یک تحقیق پیمایشی به این نتیجه رسید که افراد دارای تحصیلات بالاتر، دارای شبکه اجتماعی وسیع، متنوع و فعال تر در انجمن‌های ارادی از مدارای بالاتری برخوردارند.

فرضیات تحقیق

- بر اساس سؤالات مطرح شده و مبانی نظری مرور شده، فرضیه‌های تحقیق بشرح ذیل تعریف می‌شوند:
- فرضیه اول: بین احساس آنومی شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنا دار وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین دینداری شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنا دار وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین اعتماد اجتماعی شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنا دار وجود دارد.
- فرضیه چهارم: بین ارزش‌های ابراز وجود شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنا دار وجود دارد.
- فرضیه پنجم: بین فردگرایی شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنا دار وجود دارد.
- فرضیه ششم: بین جزم اندیشی شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنا دار وجود دارد.
- فرضیه هفتم: بین احساس امنیت شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنا دار وجود دارد.

روش تحقیق

روش مطالعه در تحقیق حاضر، پیمایشی است. در این روش نتایج نمونه قابل تعمیم به کل جامعه آماری است. پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی کاربردی است که هم در صدد است، عوامل جامعه‌شناختی را در محدوده موضوع تحقیق (چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی) آزمون کند و هم دارای جنبه‌های کاربردی است که می‌توان با استفاده نتایج این پژوهش بر تقویت عناصر مؤثر در بهبود فرصت‌ها و کاهش چالش‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در بین شهروندان کمک کند. همچنین واحد مشاهده فرد است و تحقیق در سطح توصیف و تبیین عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر متغیر وابسته (چالش‌ها و

1 Munawar

2 Ekehammar

3 Ericsson

فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی) انجام می‌شود. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه شهروندان شهر تهران که بین ۱۸ تا ۷۰ سال سن دارند، می‌باشد. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت کل شهر تهران ۱۳۲۶۷۶۳۷ نفر بوده است که از این تعداد ۴۷۱۸۴۶۵ نفر را افراد ۱۸ تا ۷۰ سال به بالای مرد و ۴۷۱۶۵۸۰ نفر را افراد ۱۸-۷۰ سال به بالای زن و مجموع ۹۴۳۵۰۴۵ تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). قلمرو این پژوهش از نظر زمانی تابستان و پاییز ۱۳۹۶ است. به منظور برآورد حجم نمونه در پژوهش حاضر با استفاده از فرمول کوکران در نرم افزار SPSS21 استفاده گردیده است که با درصد خطای ۰/۰۵ حجم نمونه کل تعداد ۳۸۴ نفر برآورد گردیده است.

$$n = \frac{Nt^2Pq}{Nd^2 + t^2Pq}$$

$$n = \frac{9435045 * 1/96^2 * 5 * 5}{9435045 * 0.05^2 + 1/96^2 * 5 * 5} = 384$$

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است که با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری، این روش به صورت چند مرحله‌ای و متناسب صورت گرفته است. برای این منظور بر اساس طبقه‌بندی مناطق شهرداری شهر تهران، که به طور کلی شامل ۲۲ منطقه و ۳۷۰ ناحیه می‌باشد، اقدام به نمونه‌گیری تصادفی کردیم؛ به این ترتیب که از هر منطقه یک ناحیه و محله به تصادف انتخاب شده است. از منطقه ۱ محله نیاوران، از منطقه ۸ محله هفت حوض، از منطقه ۵ محله جنت آباد، از منطقه ۱۹ محله نعمت آباد و از منطقه ۶ محله ولی عصر انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه جمع آوری شد.

تعریف مفاهیم و سنجش متغیرها

متغیر وابسته در این تحقیق، مدارای اجتماعی و متغیرهای مستقل شامل، احساس انومی یا آشفتگی اجتماعی، مدارای دینی، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود، فردگرایی و جزم اندیشی است که در ذیل به ترتیب تعاریف مفهومی و عملیاتی هر کدام ارائه شده است.

مدارا

تعریف مفهومی

منظور از مدارا، احترام گذاشتن به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید مخالف است (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳).

تقسیم‌بندی‌های زیادی از این مفهوم وجود دارد که جدیدترین و جامع‌ترین آن‌ها را وگت (۱۹۹۷) بر اساس کارهای سولیان، پیرسون و مارکوس ارائه کرده است. در واقع وی با جمع‌آوری و ترکیب تقسیم‌بندی‌های پیش از خود، تقسیم‌بندی سه بعدی خود را پیشنهاد کرده است که ابعاد آن بدین قرار است: مدارای اجتماعی، سیاسی و رفتاری.

تعریف عملیاتی

پرسشنامه استاندارد میزان سنجش مدارای اجتماعی که در سال ۱۹۹۷ توسط وگت طراحی گردید و دارای ۵۷ گویه و پایایی ۰/۷۵ می باشد که سوالات ۱ تا ۲۰ مربوط به مدارای اجتماعی، سوالات ۲۱ تا ۳۵ مربوط به مدارای سیاسی و سوالات ۳۶ تا ۵۷ مربوط به سنجش مدارای رفتاری می‌باشد. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف درجه بندی شده است که نمره بالاتر دارای مدارای بیشتر و نمره پایین بیانگر مدارای کمتر می‌باشد. از جمع نمره پاسخگویان به گویه‌ها میزان احساس آنومی فرد سنجیده شده است.

احساس آنومی

تعریف مفهومی

منظور از احساس آنومی یا آشفتگی اجتماعی، یک وضعیت بی‌قاعدگی یا بی‌هنجاری است که در آن، افراد قادر نیستند بر اساس یک نظام «قواعد مشترک» ارتباط متقابل برقرار کنند و نیازهای خود را ارضا نمایند. در نتیجه نظم فرهنگی و اجتماعی از هم پاشیده می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۳).

تعریف عملیاتی

این متغیر با استفاده از ۸ گویه سنجیده شده است که از کتاب میلر^۱ (۱۹۶۹) و مقاله پرسل و دیگران (۲۰۰۱) اخذ شده است. گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف درجه بندی شده است. همچنین به خیلی موافق، بالاترین نمره، یعنی ۵ و به خیلی مخالف پایین ترین نمره یعنی ۱ داده شد. از جمع نمره پاسخگویان به گویه‌ها میزان احساس آنومی فرد سنجیده شده است. که نمره بالاتر دارای آنومی بیشتر و نمره پایین بیانگر آنومی کمتر می‌باشد.

مدارای دینی

تعریف مفهومی

دین کاربردهای مختلفی در شکل دهی به شخصیت هر فرد و نهایتاً ساختاردهی شخصیت اجتماعی افراد جامعه دارد. در این پژوهش دین هم در کنار سایر عوامل و متغیرهای مرتبط با چالش‌ها و فرصت‌های مدارای اجتماعی مورد بررسی و سنجش قرار گرفته است.

تعریف عملیاتی

در سنجش میزان دینداری با الهام از سنجه به کار رفته توسط پژوهشگران قبلی (سراج‌زاده، ۱۳۷۷؛ طالبان، ۱۳۸۰)، از مدل گلاک و استارک (۱۹۷۱: ۲۰-۱۹) در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. در کل ۱۴ گویه برای سنجش میزان دینداری بکار برده شده است. نحوه ارایه گویه‌های این متغیر به پاسخگویان

براساس طیف ۵ قسمتی لیکرت از خیلی موافق تا خیلی مخالف به پاسخگویان ارایه شد. همچنین به خیلی موافق، بالاترین نمره، یعنی ۵ و به خیلی مخالف پایینترین نمره یعنی ۱ داده شد. از جمع نمره پاسخگویان به گویه‌های میزان دینداری فرد سنجیده شده است.

اعتماد اجتماعی

تعریف مفهومی

اعتماد اجتماعی ناظر بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی می‌باشد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۹). بسیاری از فیلسوفان اجتماعی نظیر هابز معتقدند که اعتماد، پایه و اساس نظم اجتماعی می‌باشد، اعتماد تنش‌ها را پایین و انسجام را بالا می‌دهد (شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۴۸).

تعریف عملیاتی

نحوه ارایه گویه‌های این متغیر به پاسخگویان براساس طیف ۵ قسمتی لیکرت از خیلی موافق تا خیلی مخالف به پاسخگویان ارایه شد. همچنین به خیلی موافق، بالاترین نمره، یعنی ۵ و به خیلی مخالف پایین‌ترین نمره یعنی ۱ داده شد. در تهیه این گویه‌ها از کارهای ناطق‌پور و فیروزآبادی (۱۳۸۴)، اجاقلو (۱۳۸۴)، پالدام ۱ (۲۰۰۰)، ولکاک و نارایان ۲ (۱۳۸۵)، محمدی (۱۳۸۴)، وثوقی و هاشمی (۱۳۸۳) استفاده کرده‌اند (به نقل از عسگری، ۱۳۸۵).

ارزش‌های ابراز وجود

تعریف مفهومی

گسترش قلمرو انتخاب انسانی نیز از نظر اینگلهارت منجر به گرایش به سمت ارزش‌های ابراز وجود می‌گردد. به عبارت دیگر ارزش‌های ابراز وجود زمانی که تهدیدات وجودی کاهش یابد، تمایل به گسترده‌تر شدن دارند. ارزش‌های ابراز وجود ارزشهایی هستند که به آزادی بیان، مشارکت در تصمیم‌گیری، فعالیت سیاسی، حمایت از محیط زیست، برابری جنسیتی و رشد تساهل نسبت به اقلیتهای قومی، دسته‌ها و گروه‌های مختلف، اولویت بالایی اختصاصی می‌دهند (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۱۶).

تعریف عملیاتی

برای سنجش این متغیر، ۷ گویه بکار گرفته شد، که از مقاله رونالد اینگلهارت (۲۰۱۰) اقتباس شده است. نحوه ارایه گویه‌های این متغیر به پاسخگویان براساس طیف ۵ قسمتی لیکرت از خیلی موافق تا خیلی

1 Paldam

2 Volck and Narayan

مخالف به پاسخگویان ارایه شد. همچنین به خیلی موافق، بالاترین نمره، یعنی ۵ و به خیلی مخالف پایین‌ترین نمره یعنی ۱ داده شد.

فرد گرایی

تعریف مفهومی

فردگرایی ایده منحصر به فرد بودن هر انسان است که او را برای رشد فردی‌اش تشویق می‌کند. (سایینی^۱، ۱۹۹۵: ۳۸). در یک فرهنگ فردگرا، فرد مستقل و خودمختار از جمع تعریف می‌شود. اهداف فردی مقدم بر اهداف جمعی هستند و رفتار اجتماعی از طریق گرایش‌ها و ادراک از نتایج خشنود کننده، شکل گرفته‌اند (تریاندیس، ۱۹۹۶: ۳۵).

تعریف عملیاتی

برای سنجش این متغیر از کار تریاندیس، کارلی و وارزان^۲ (۲۰۰۷)، استفاده شده که شامل ۱۶ گویه است. این مقیاس از خیلی موافق تا خیلی مخالف رتبه‌بندی شده است که برای سنجش میزان روحیه فردگرایی پاسخگویان نمره گذاری گویه‌ها از سؤال ۹۵ الی ۱۰۲ بصورت خیلی موافق (۱)، موافق (۲)، بینابین (۳)، مخالف (۴)، خیلی مخالف (۵) تعلق می‌گیرد، اما نمره گذاری گویه‌ها از شماره ۱۰۳ الی ۱۱۰ بالعکس شده و به خیلی موافق (۵)، موافق (۴)، بینابین (۳)، مخالف (۲)، خیلی مخالف (۱) تعلق می‌گیرد.

جزم اندیشی

تعریف مفهومی

جزم‌اندیشی عبارتند از: داشتن عقاید شدید و مطلق، عدم تحمل عقاید متفاوت دیگران، عدم توجه به اموری که ممکن است موجب تغییر یا اصلاح عقاید فرد گردد (نفلت^۳، ۱۹۹۸: ۹۵). با تکیه بر آرای صاحب‌نظرانی همچون (بوزان و بوردمولار^۴) که نقطه آغازین امنیت را ذهنی (احساس فرد از فقدان امنیت) و مبتنی بر تصمیم‌کنشگران معرفی می‌کنند، متغیر احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۸).

تعریف عملیاتی

برای سنجش این متغیر که مجموعاً شامل ۵ گویه می‌باشد و بر اساس طیف لیکرت از خیلی موافق تا خیلی مخالف نمره‌گذاری شده است. همچنین به خیلی موافق، بالاترین نمره، یعنی ۵ و به خیلی مخالف

1 Sabini

2 Carly and Warzan

3 Neufeldt

4 Boozan and Board Molar

پاینتترین نمره یعنی ۱ داده شد. در طراحی این گویه‌ها از کار هینکلی (۲۰۱۰) و بروکیچ (۱۹۶۰) اقتباس شده است.

اعتبار و پایایی

اعتبار به این امر اشاره دارد که آیا سؤالات طراحی شده، همان مفهوم مورد نظر را می‌سنجد یا خیر. در این تحقیق از اعتبار سازه استفاده شده است. اعتبار سازه به معنای سؤالات طراحی شده در انعکاس ویژگی‌های سازه مورد اندازه‌گیری است. تأیید فرضیات تحقیق که متعاقباً عنوان می‌شود مؤید اعتبار سازه، متغیرهای این تحقیق است. برای برآورد پایایی شاخص‌ها نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که برای شاخص مدارای اجتماعی (۰/۷۵)، احساس آنومی (۰/۷۱)، مدارای دینی (۰/۷۵)، اعتماد اجتماعی (۰/۵۹)، ارزش‌های ابراز وجود (۰/۸۹)، فردگرایی (۰/۷۳)، جزم اندیشی (۰/۶۲)، احساس امنیت (۰/۸۷)، به دست آمد که بیانگر همسازي بالای گویه‌های تشکیل دهنده هر شاخص و در نتیجه پایایی هر شاخص است.

یافته‌های تحقیق

خصوصیات فردی و جمعی افراد مورد تحقیق

یافته‌های حاصل از ویژگی‌های پاسخگویان نشان می‌دهد که از مجموع ۳۸۴ نفر حجم نمونه ۱۹۲ نفر (۵۰ درصد) از افراد نمونه دارای جنسیت مرد و ۱۹۲ نفر (۵۰ درصد) نیز دارای جنسیت زن بوده‌اند. همچنین ۳ نفر از حجم نمونه (۰/۸ درصد) دارای مدرک تحصیلی ابتدایی، ۷ نفر (۱/۸ درصد) راهنمایی، ۲۲ نفر (۵/۷ درصد) متوسطه، ۹۰ نفر (۲۳/۴ درصد) فوق دیپلم، ۱۶۳ نفر (۴۲/۴ درصد) لیسانس، ۷۰ نفر (۱۸/۲ درصد) فوق لیسانس و ۲۹ نفر (۷/۶ درصد) دارای مدرک تحصیلی دکتری بوده‌اند. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل هم بیانگر این موضوع بود که ۲۱۷ نفر (۵۶/۵ درصد) متأهل و ۱۶۷ نفر (۴۳/۵ درصد) هم مجرد بوده‌اند. میانگین شاخص توصیفی مدارای اجتماعی شهروندان ۴/۸ است که با توجه به دامنه پاسخ‌ها که از (۱-۵) می‌باشد، نشان دهنده میزان شدت بالای مدارای اجتماعی شهروندان می‌باشد.

آزمون فرضیات

فرضیه اول: بین احساس آنومی شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنا دار وجود دارد؟

جدول ۱. ضریب همبستگی بین آنومی و مدارای اجتماعی شهروندان

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری (sig)
احساس آنومی	-۰/۰۵۰	۳۸۴	۰/۳۲۷

بر اساس داده‌های بدست آمده از آزمون در جدول شماره ۱ و با توجه به سطح معنی داری ($\text{sig} \leq 0/05$)، بین متغیر آنومی با مدارای اجتماعی شهروندان رابطه معنی داری مشاهده نمی‌شود و قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

فرضیه دوم: بین دینداری شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنی دار وجود دارد؟

جدول ۲. ضریب همبستگی بین دینداری و مدارای اجتماعی شهروندان

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری (sig)
دینداری	۰/۱۶۹	۳۸۴	۰/۰۰۱

بر اساس داده‌های بدست آمده از آزمون در جدول شماره ۲ و با توجه به سطح معنی داری ($\text{sig} \leq 0/05$)، بین دینداری شهروندان با مدارای اجتماعی آنها رابطه معنی داری مشاهده می‌شود که این رابطه مثبت و مستقیم است. بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌شود. به این معنا که با افزایش دینداری شهروندان میزان مدارای اجتماعی آنها افزایش می‌یابد.

فرضیه سوم: بین اعتماد اجتماعی شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنی دار وجود دارد؟

جدول ۳. ضریب همبستگی بین اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی شهروندان.

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری (sig)
اعتماد اجتماعی	۰/۱۰۵	۳۸۴	۰/۰۴۰

بر اساس داده‌های بدست آمده از آزمون در جدول شماره ۳ و با توجه به سطح معنی داری ($\text{sig} \leq 0/05$)، بین اعتماد اجتماعی شهروندان با مدارای اجتماعی آنها رابطه معنی داری مشاهده می‌شود که این رابطه مثبت و مستقیم است. بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌شود. به این معنا که با افزایش اعتماد اجتماعی شهروندان میزان مدارای اجتماعی آنها افزایش می‌یابد.

فرضیه چهارم: بین ارزش‌های ابراز وجود شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنی دار وجود دارد؟

جدول ۴. ضریب همبستگی بین ارزش‌های ابراز وجود و مدارای اجتماعی شهروندان.

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری (sig)
ارزش‌های ابراز وجود	۰/۱۵۲	۳۸۴	۰/۰۰۳

بر اساس داده‌های بدست آمده از آزمون در جدول شماره ۴ و با توجه به سطح معنی داری ($\text{sig} \leq 0/05$)، بین ارزش‌های ابراز وجود شهروندان با مدارای اجتماعی آنها رابطه معنی داری مشاهده می‌شود که این رابطه مثبت و مستقیم است. بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌شود. به این معنا که با افزایش ارزش‌های ابراز وجود شهروندان، میزان مدارای اجتماعی آنها افزایش می‌یابد.

فرضیه پنجم: بین فردگرایی شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنا دار وجود دارد؟

جدول ۵. ضریب همبستگی بین فردگرایی و مدارای اجتماعی شهروندان.

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری (sig)
فردگرایی	-.۰/۰۴۱	۳۸۴	۰/۴۲۳

بر اساس داده‌های بدست آمده از آزمون در جدول شماره ۵ و با توجه به سطح معنی داری ($\text{sig} \leq 0/05$)، بین متغیر فردگرایی با مدارای اجتماعی شهروندان رابطه معنی داری مشاهده نمی شود و قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

فرضیه ششم: بین جزم اندیشی شهروندان و مدارای اجتماعی آنها ارتباط معنا دار وجود دارد؟

جدول ۶. ضریب همبستگی بین جزم اندیشی با مدارای اجتماعی شهروندان.

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری (sig)
جزم اندیشی	-.۰/۰۶۰	۳۸۴	۰/۲۳۹

بر اساس داده‌های بدست آمده از آزمون در جدول شماره ۶ و با توجه به سطح معنی داری ($\text{sig} \leq 0/05$)، بین متغیر جزم اندیشی با مدارای اجتماعی شهروندان رابطه معنی داری مشاهده نمی شود و قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

فرضیه هفتم: بین احساس امنیت شهروندان با مدارای اجتماعی آنها رابطه معنی داری وجود دارد؟

جدول ۷. ضریب همبستگی بین احساس امنیت با مدارای اجتماعی شهروندان.

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری (sig)
احساس امنیت	۰/۱۲۳	۳۸۴	۰/۰۱۶

بر اساس داده‌های بدست آمده از آزمون در جدول شماره ۷ و با توجه به سطح معنی داری ($\text{sig} \leq 0/05$)، بین احساس امنیت شهروندان با مدارای اجتماعی آنها رابطه معنی داری مشاهده می‌شود که این رابطه مثبت و مستقیم است. بنابراین فرضیه هفتم تأیید می‌شود. به این معنا که با افزایش احساس امنیت شهروندان، میزان مدارای اجتماعی آنها افزایش می‌یابد.

رگرسیون چندگانه

در این قسمت مدل نظری تحقیق مورد سنجش قرار گرفته و متغیرهای مستقل تحقیق که دارای رابطه معنی داری با متغیر وابسته مدارای اجتماعی می باشد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول ۸. مقدار ضریب همبستگی و ضریب تعیین متغیرهای مستقل تحقیق بر مدارای اجتماعی شهروندان

متغیر	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	خطای برآورد انحراف استاندارد
دینداری	۰/۱۶۹	۰/۰۲۸۵	۰/۰۲۶	۹/۱۱۷۷۰
اعتماد اجتماعی	۰/۱۰۵	۰/۰۱۱۰	۰/۰۰۸	۹/۱۹۹۳۱
ارزش‌های ابراز وجود	۰/۱۵۲	۰/۰۲۳۱	۰/۰۲	۹/۱۴۲۹۷
احساس امنیت	۰/۱۲۳	۰/۰۱۵۱	۰/۰۱۳	۹/۱۷۹۵۲

در این قسمت سعی بر آن است که مدل نظری تحقیق و مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر مدارای اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. برای پیش بینی رابطه معنی داری متغیرهای مستقل دینداری با ضریب تعیین (۰/۰۲۸۵)، اعتماد اجتماعی (۰/۰۱۱۰)، ارزش‌های ابراز وجود (۰/۰۲۳۱) و احساس امنیت با ضریب تعیین (۰/۰۱۵۱) از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است که مقدار ضریب تعیین هر کدام از متغیرهای مستقل که تغییرات متغیر وابسته مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند، نشان میدهد.

جدول ۹. نتایج خلاصه مدل رگرسیون متغیرهای مستقل تحقیق بر مدارای اجتماعی شهروندان

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	مقدار f	سطح معناداری
۰/۲۴۷	۰/۰۶۱	۰/۰۵۹	۲۴/۸۹۸	۰/۰۰۰

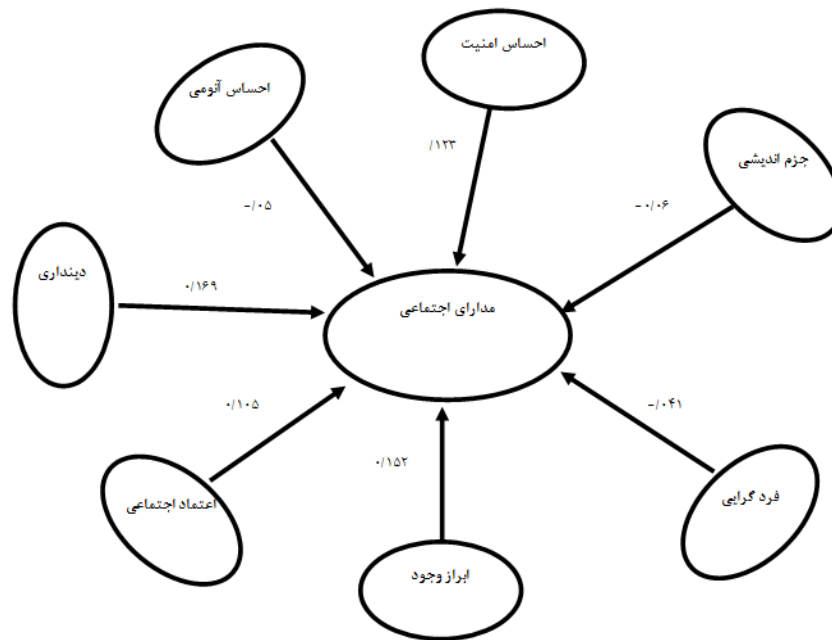
بر اساس داده‌های جدول ۹ ضریب تعیین (R²) ۰/۰۵۹ به دست آمده است بدان معناست که حدود ۵/۹ درصد از واریانس (تغییرات) مدارای اجتماعی توسط متغیرهای دینداری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و احساس امنیت تبیین می‌شود. مقدار آماره به دست آمده f (۲۴/۸۹۸) در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۱۰. ضرایب رگرسیون متغیرهای مستقل با مدارای اجتماعی

متغیرها	ضریب B	خطای انحراف استاندارد	ضریب بتا	آماره T	سطح معناداری Sig
احساس انومی	-۰/۰۸۶	۰/۰۸۷	-۰/۰۵	-۰/۹۸۱	۰/۳۲۷
دینداری	۰/۱۵	۰/۰۴۵	۰/۱۶۹	۳/۳۴۲	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی	۰/۱۶۳	۰/۰۷۹	۰/۱۰۵	۲/۰۵۶	۰/۰۴
ارزش‌های ابراز وجود	۰/۲۵۸	۰/۰۸۶	۰/۱۵۲	۳	۰/۰۰۳
فرد گرایی	-۰/۰۷۹	۰/۰۹۹	-۰/۰۴۱	-۰/۸۰۲	۰/۴۲۳
جزم اندیشی	-۰/۱۳۵	۰/۱۱۵	-۰/۰۶	-۱/۱۷۹	۰/۲۳۹
احساس امنیت	۰/۱۶۲	۰/۰۶۷	۰/۱۲۳	۲/۴۲۸	۰/۰۱۶

متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون که هسته اصلی تحلیل رگرسیون می‌باشد، در جدول بالا آمده است. با توجه به سطح معنی داری متغیرهای مستقل دینداری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و احساس امنیت که کمتر از خطای مفروض در پژوهش (۰/۰۵) است، در مدل معنا دار است.

تبیین مدل نظری تحقیق



بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی از این تحقیق، بررسی جامعه شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران بوده است. نتایج تحقیق بیان کننده متغیر دینداری با میانگین ۴/۴۶ و انحراف معیار ۰/۷۴۳ و متغیر اعتماد اجتماعی با میانگین ۴/۵۲ و انحراف معیار ۰/۶۹۳، متغیر ارزش‌های ابراز وجود با میانگین ۴/۲۸ درصد و انحراف معیار ۰/۷۷۴ و متغیر احساس امنیت با میانگین ۴/۸۲ درصد و انحراف معیار ۰/۴۳۸ می‌باشد که نشان دهنده رابطه دینداری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و احساس امنیت با مدارای اجتماعی شهروندان می‌باشد. نتایج آزمون فرضیات نشان داد که رابطه معنادار و مستقیمی بین متغیرهای مستقل دینداری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و احساس امنیت با متغیر وابسته مدارای اجتماعی می‌باشد.

فرضیه یک، رابطه انومی با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه معناداری بین متغیر انومی با مدارای اجتماعی شهروندان وجود ندارد. به عقیده مرتن، انومی عدم تطابق بین اهداف و وسایل جمعی مورد قبول جامعه می‌باشد. وی در کتاب نظریه اجتماعی و ساختار

اجتماعی، موضوع ساخت اجتماعی و بی‌هنجاری را مطرح نموده و معتقد است که احساس واقعی سرخوردگی، درماندگی، بی‌عدالتی و... به تنهایی از هیچ یک از این عوامل بر نمی‌خیزد، بلکه از روابط خاص میان آنها پدید می‌آید. بنابراین اگر توزیع واقعی امکانات و فرصت‌ها دگرگون شود، رفتارهای همساز با قواعد اجتماعی که باید موجب نیل به اهداف گردند کارایی خود را از دست داده و باعث ناراحتی و نهایتاً آنومی و بی‌هنجاری گردیده و با مختل کردن قدرت هنجارهای اجتماعی و ناهنجاری باعث فشار بر سیستم اجتماعی می‌گردد (گلاتزر^۱، ۱۳۷۸: ۱۷۰). دورکیم مفهوم آنومی را در سطح فردی نوعی نابسامانی فردی می‌داند که فرد، پوچی و بی‌قراری را تجربه می‌کند و آنومی در سطح اجتماعی را نشانگر نوعی اختلال، اغتشاش و بی‌هنجاری در نظام اجتماعی می‌داند. بنابراین آنومی و بی‌هنجاری به عنوان شاخصی که باعث عدم انسجام اجتماعات انسانی می‌گردد باید مورد توجه قرار گیرد. فرضیه دو، رابطه دینداری با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی بین متغیر دینداری با مدارای اجتماعی شهروندان وجود دارد. یعنی هر چه میزان دینداری شهروندان بیشتر باشد، میزان مدارای اجتماعی شهروندان هم بیشتر می‌باشد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات افراسیابی (۱۳۹۰)، مجتهد شبستری (۱۳۷۷)، سینتانگ^۲ (۲۰۱۳)، موناوار (۲۰۱۲)، و کیم ژنگ^۳ (۲۰۱۰)، همسو است. بر اساس نظریه دورکیم کارکرد مهم دین تقویت وجدان جمعی و انسجام اجتماعی است. به اعتقاد دورکیم، دین، هنجارهایی را برای وجدان جمعی تجویز می‌کند و انتظار دارد که اعضای جامعه آن را درونی کرده و بر مبنای آن عمل کنند. فرضیه سوم، رابطه اعتماد اجتماعی شهروندان با مدارای اجتماعی آنان بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی بین متغیر اعتماد اجتماعی با مدارای اجتماعی شهروندان وجود دارد. یعنی هر چه میزان اعتماد اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان مدارای اجتماعی آنان هم بیشتر می‌باشد. نتایج آزمون این فرضیه با نتایج تحقیقات مقتدایی (۱۳۸۹)، میلر (۲۰۰۵) و وندر نال^۴ (۲۰۰۰) همسو است. بر اساس نظریه پاتنام وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی همچون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که با تسهیل اقدامات هماهنگ که باعث بهبود کارایی و افزایش سطح اعتماد اجتماعی در جامعه می‌شوند و همچنین ایجاد فضایی که در آن افراد به مبادله افکار و عقاید خود می‌پردازند. براون نیز تأثیر اعتماد بر مدارا را تأیید کرده و نشان داده است که اعتماد اجتماعی با مدارا رابطه مثبت دارد و حضور آن باعث ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شود (براون^۵، ۲۰۰۶، ص ۵۷). فرضیه چهارم، رابطه ارزش‌های ابراز وجود با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی بین متغیر اعتماد اجتماعی با مدارای اجتماعی شهروندان وجود دارد. یعنی هر چه میزان اعتماد اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان مدارای اجتماعی آنان هم بیشتر می‌باشد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات مقتدایی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. بر اساس نظریه اینگلههارت، اخلاق

1 Glatzer

2 Sintang

3 Kim Zheng

4 vondernal

5 Brown

مدارا و احترام به ارزش‌ها و اعتقادات دیگران، نتیجه رشد ارزش‌های ابراز وجود است. از نظر اینگلههارت، گسترش قلمرو انتخاب انسانی منجر به گرایش به سمت ارزش‌های ابراز وجود می‌گردد. به عبارت دیگر ارزش‌های ابراز وجود زمانی که تهدیدات وجودی کاهش می‌یابد، تمایل به گسترده شدن دارد. بر این اساس در جوامع دارای نظام ارزشی مبتنی بر ابراز وجود تأکید فزاینده‌ای بر آزادی‌های فردی مدارا نسبت به سایر گروه‌ها و افراد می‌گردد. فرضیه پنجم، رابطه بین فردگرایی با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی می‌کند. با توجه نتایج آزمون این فرضیه، رابطه معناداری بین متغیر فردگرایی با مدارای اجتماعی شهروندان وجود ندارد. نتایج این فرضیه، با نتایج تحقیقات فرزام (۱۳۹۵)، پورسردهایی (۱۳۸۹) و بهمن پور (۱۳۸۷)، همسو می‌باشد. بر اساس نظریه تریاندیس، در فرهنگ‌های فردگرا، تقدم اهداف فردی بر اهداف جمعی و شکل‌گیری رفتار اجتماعی بر مبنای سود و زیان فردی می‌باشد. اعضای فرهنگ‌های فردگرا دارای عناصر فرد گراتر هستند. فردگراها درون گروه‌های بسیاری دارند و کمتر به یک گروه وابسته هستند و در صورت هم‌نواپی به سادگی درون گروه شان را تغییر می‌دهند. شوارتز هم معتقد است که فردگراها، اهداف فردی را به کار می‌گیرند که می‌تواند با اهداف درون گروه شان سازگار باشد یا نباشد و اگر مغایرتی بین این دو وجود داشته باشد، فرد گراها اولویت را به اهداف فردی شان می‌دهند. فرضیه ششم، رابطه بین جزم‌اندیشی با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه معناداری بین متغیر جزم‌اندیشی با مدارای اجتماعی شهروندان وجود ندارد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات حسین زاده (۱۳۸۹)، پورسردهایی (۱۳۸۹) و بهمن پور (۱۳۸۷) و مقتدایی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. بر اساس نظریه هینکلی، تمایلات فردی، تأثیر و مشارکت را بر مدارا مشروط می‌کند. ممکن است ویژگی‌هایی مانند دگماتیسم با تحریک متفکران دگماتیک به عنوان جدالی بین کنشگران که به لحاظ اخلاقی خوب یا بد هستند از یادگیری دموکراتیک جلوگیری کند. این چهارچوب شناختی می‌تواند به تغییر فرصت برای فراگیری ارزش مدارا در یک موقعیت، به منظور تبلور این عقیده که گروه‌های متعدد مورد تفرق، شایسته حقوق دموکراتیک نیستند، کمک کنند. فرضیه هفتم، رابطه احساس امنیت با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی بین متغیر احساس امنیت با مدارای اجتماعی شهروندان وجود دارد. یعنی هر چه میزان احساس امنیت شهروندان بیشتر باشد، میزان مدارای اجتماعی آنان هم بیشتر می‌باشد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات مقتدایی (۱۳۸۹) و افراسیابی (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. بر اساس نظریه دنیس چونگ، احساس امنیت اجتماعی، محور به وجود آمدن بردباری و فرایند سازگاری است، زیرا امنیت اجتماعی یکی از متغیرهای مهم و اساسی در رابطه با مدارای اجتماعی است و فضای امن حاکم بر جامعه، فرصت بیشتری را برای هم‌پیوستگی و مدارای اجتماعی در جامعه فراهم می‌سازد. دنیس چونگ معتقد است، هر چیزی که خطرناک تر به نظر برسد، کمتر در مورد آن بردباری به خرج داده خواهد شد و به همین جهت احساس امنیت در جامعه، مدارای اجتماعی را در پی خواهد داشت.

برای پیش‌بینی رابطه معناداری متغیرهای مستقل دینداری با ضریب تعیین (۰/۰۲۸)، اعتماد اجتماعی (۰/۰۱۱)، ارزش‌های ابراز وجود (۰/۰۲۳) و احساس امنیت با ضریب تعیین (۰/۰۱۵) از تحلیل رگرسیون

چندگانه استفاده گردید که مقدار ضریب تعیین هر کدام از این متغیرهای مستقل، تغییرات متغیر وابسته مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند. بنابراین با توجه به متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون و سطح معنا داری متغیرهای مستقل اثرگذار بر متغیر وابسته مدارای اجتماعی که کمتر از خطای مفروض در پژوهش (۰/۰۵) است و به همین دلیل متغیرهای مستقل دینداری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و احساس امنیت اجتماعی در مدل معنادار است. از بین متغیرهای مستقل تحقیق، دینداری با ضریب بتای (۰/۱۶۹)، ارزش‌های ابراز وجود با ضریب بتای (۰/۱۵۲)، احساس امنیت با ضریب بتای (۰/۱۲۳)، احساس اعتماد اجتماعی با ضریب بتای (۰/۱۰۵) و فردگرایی با ضریب بتای (۰/۰۴۱)، آنومی با ضریب بتای (۰/۰۵) و جزم اندیشی با ضریب بتای (۰/۰۶) می‌باشد.

پیشنهادات و توصیه‌های تحقیق

روابط اجتماعی، ارتباط مثبتی با مدارای اجتماعی دارد. بنابراین توسعه مهارت‌های اجتماعی از طریق نهادهایی همچون خانواده، مدرسه، دانشگاه‌ها و سازمان‌ها می‌تواند بستر لازم را برای برقراری روابط بیشتر در جامعه را فراهم سازد. همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش که بیانگر عدم رابطه مثبت بین متغیرهای فرد گرایی و جزم اندیشی با مدارای اجتماعی می‌باشد، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی متفکران علوم اجتماعی راهکارهایی جهت تقویت مدارای اجتماعی این افراد ارائه دهند. در مجموع این پژوهش می‌تواند از نگاه روان شناسی، علوم تربیتی و میان رشته‌ای مانند روان شناسی اجتماعی مورد تحلیل قرار گرفته تا نتایج همه جانبه تری را ارائه نماید.

منابع

- افراسیابی، حسین (۱۳۹۰). مطالعه نقش مدارا در انسجام اجتماعی، پایان نامه دکتری در رشته جامعه شناسی، دانشگاه شیراز.
- اینگلهارت، رونالد، (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر
- ازکیا، مصطفی. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی.
- بهشتی، سید صمد، رستگار، یاسر (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی. فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۲، ۳۵-۷.
- بهمن‌پور، ثریا (۱۳۸۷). بردباری اجتماعی و نشانگان فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- پورسردهایی، نصیر (۱۳۸۹). شناخت عوامل اجتماعی مؤثر بر سطح تحمل اجتماعی در شهر سراب، پژوهش اجتماعی، بهار ۱۳۹۰، شماره ۱۰، صص ۳۴-۱۸.
- پروین، لارنس (۱۳۷۴). روان شناسی شخصیت- نظریه و تحقیق، ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- جهانگللو، رامین (۱۳۸۱). مدارا و کثرت‌گرایی، فصلنامه پل فیروزه، سال دوم، شماره ۵.

- حاجی زاده بخشایش، سعید (۱۳۹۳)، پیش بینی رضایت شغلی بر اساس تاب آوری و بهزیستی روانی در پرسنل شهرداری کلانشهر تبریز، کنفرانس بین المللی علوم انسانی و ملاحظات رفتاری، تهران، مؤسسه مدیران ایده پرداز پایتخت. <http://www.Civilica.com>
- حسین زاده، حسین (۱۳۸۹). بررسی مداراگری در بین دانشجویان دانشگاه گیلان، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه گیلان.
- حسینی، هاجر (۱۳۸۷). بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی، احساس بی قدرتی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران.
- عنایت، احمد (۱۳۷۹)، مجموعه مقالات شامل آری یا نه؛ دفتر نخست، گردآورنده مؤسسه فرهنگی اندیشه، تهران، نشر خرم، بهار، چاپ اول
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱). درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام، تهران، نشر مرکز.
- ربانی خوراسگانی، علی؛ ربانی، رسول؛ ادیبی سده، مهدی؛ موذنی، احمد (۱۳۹۰)، «بررسی نقش تنوع اجتماعی در ایجاد شهرهای خلاق و نوآور»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۱، بهار: ۱۵۹-۱۸۰.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷). آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: نشر سروش.
- سراجزاده، سید حسین (۱۳۸۳). بررسی رابطه میزان دینداری و انواع آن با مدارای اجتماعی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴، صص ۴۲-۱۰۹.
- شارع پور، محمود، (۱۳۸۵). گونه شناسی مدارا و سنجش آن در بین دانشجویان دانشکده های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸، صص ۱-۳۴.
- فرزاد، نازنین (۱۳۹۵)، بررسی جامعه شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی، مجله مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال هفدهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۵.
- گلابی، فاطمه. رضایی، اکرم (۱۳۹۲). بررسی تاثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، ۸۶-۶۱.
- مقتدایی، فاطمه (۱۳۸۹)، بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.
- وبر ماکس (۱۳۸۲). دین، قدرت، جامعه. ترجمه: احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.
- Brown, Kevin M. (2006) Aspects of comparative Active Citizenship, The Australia and New eiland Third Sector Research. Eight Biennial Conferences. 26-28 November.
- Erickson, B. H. (2009), "Untangling the roots of tolerance", American Behavioral Scientist, 12: 1664- 1689.
- Ekehammar , B (2003) The Relation between personality and prejudice: A variable and a person centered Approach Europe am jorral of Personality . No17.P 209-464
- Glatzer, W. Halle in – benze, G and Weckem, nn, s (2010) Social Cohesion in Germany, The tocyu ville Review, Vol. 31, PP. 41-70.
- Galeotti, Anna E. (2002) "Do We Need Toleration as a Moral Virtue", Respublica, Vol.7 (3): 273-292.
- Hinchly, Robert. A (2010). Personality and Political Tolerance: The Limits of Democratic Lerning in post communist Europe. Comparative Political studies, 43 (2), 188-207.

- Kobayashi, T (2010). Social Bridging Social Capital in Online Communities: Heterogeneity and Social Tolerance of Online Game Players in Japan. *Journal of Human Communication Research*, 36, 546-569.
- Kim Jung hyoun, Zhong Yang (2010), Religion and Political Tolerance in south korea, *East Asia*, 27: 187-203.
- Munawar Ismail, Ahmad. (2012). "Aqidah as a Basis of Social Tolerance: The Malaysian Experience", *International Journal of Islamic Thought* Vol.1
- Miller, Steven D. & Sears, David O. (1986). Stability and change in Social Tolerance: A Test of the persistence Hypothesis, *American Journal of political Science*, Vol. 30, No. 1. Pp. 214-234.
- Neufeldt, V. (1988). *Websters new world dictionary*. New York: Simon Schuster.
- Phelps, E. (2004). *White students Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: A study of Social Tolerance and Cosmopolitanism*, Dissertation, New York
- Porsell, Caroline Hodges, Green, Adam. Gurevich, Liena (2001). Civil Society, Economic Distress, and social Tolerance *Sociological Forum* 16 (2).
- Sintang, Suraya (2013). The culture of tolerance in families of new Muslims convert", *Middle East Journal of Scientific Research*, Vol 15, 1665-1675.
- Schatz, S (2004) Social Tolerance and Social Civility: Key Elements for Transitioning Democratic Countries, *Journal of Comparative Social Welfare*, 16: 23-13
- Sabini, John (1995). *Social psychology*, Norton & Company, Inc, New York.
- Thompson, Denise. (2002) Power and distaste: Tolerance and its limitations. Retrieved from www.s-rc.unsw.edu.au/seminars/tolerance.pdf.
- Triandis, Harry C. (1996). The Psychology Measurement of Cultural Syndromes, *American Psychological*, 1-51 (4).
- Vandernoll (2010). Political Tolerance and Prejudice: Differential Reactions Toward Muslims in the etherlands, *Basic and Applied Social Psychology*, 32: 46-56.
- Vogt, Paul (2002) *Social Tolerance and Education*, Review of education, Pedagogy, and Cultural Studies: London: Sage.
- Witenberg, R. T. & Butrus, N. (2012) "Some Personality Predictors of Tolerance to Human Diversity: The Roles of Openness, Agreeableness, and Empathy". *Journal of Australian Psychological Society*, No. 65, p 220-235.